



روایت «جعفر مهرکیان»، باستان‌شناس از تجربه حفاظت موزه‌ها در جنگ ایران و عراق
برای نجات آثار موزه‌ها ریشخندان می‌کردند

قوانین بین‌الملل درباره حفاظت از محیط‌زیست در جنگ چه می‌گویند؟
محیط‌زیست نباید قربانی شود

ساختمان شیشه‌ای در آتش

حمله به مدرن‌نیم
 زخم جنگ بر پیکر تاریخ مدرن ایران

تجربه‌ای از جنگ کودکی در سایه آژیرو آتش

خودیاری برای زنان در جنگ
نوری برای درون

یادداشت

بازخوانی تجربه اوکراین در مواجهه با کودکان به‌تازده

ایستگاه بازی امن در میانه جنگ



عاطفه نامداری |
 روزنامه‌نگار



امن یا ناامن تهران خانه ماست

هشدار تخلیه و واقعیت تلخ فرارناپذیر
تهران، تهران دوست‌داشتنی نه! نه! قلبم نمی‌خواهد خانه کوچکم را رها کند
 برزخی به وسعت یک شهر

روایت‌های تکان‌دهنده از بیمارستان‌های پایتخت

دست و پاهای کوچک بدون صاحب

یادداشت

بازخوانی تجربه اوکراین در مواجهه با کودکان به‌تازده

ایستگاه بازی امن در میانه جنگ



عاطفه نامداری |
 روزنامه‌نگار

این وها بخشی از طرح مشترک یونیسف و وزارت رفاه اوکراین بودند؛ ابتکاری که سلامت روان کودکان جنگ‌زده را نه به عنوان مسئله‌ای حاشیه‌ای، بلکه به عنوان یک ضرورت امنیت ملی در نظر گرفت. در هر ون، تیمی متشکل از روان‌شناس، مددکار اجتماعی و مربی آموزش‌دیده مستقر بود. آن‌ها در مناطق درگیری، کمپ‌های پناهجویان و حتی روستاهای تخلیه‌شده، مستقر می‌شدند تا با کودکان گفت‌وگو کنند، برای‌شان قصه بخوانند، نقاشی کنند و فضای «بازی امن» فراهم کنند. در یکی از گزارش‌های یونیسف درباره این طرح، آمده است: «کودکان معمولاً نمی‌توانند از وحشت حرف بزنند، اما می‌توانند آن

در دل جنگی که خانه‌ها را ویران و شهرها را خاکستری کرده بود، ون‌های سفیدرنگی در خیابان‌های اوکراین به چشم می‌آمدند که نه برای امداد نظامی یا انتقال مجروحان، بلکه برای تسکین ذهن‌های کوچک حرکت می‌کردند.

خبر

رئیس سازمان غذا و دارو اعلام کرد

تولید دارو و تجهیزات پزشکی بدون تعطیلی

داشت، اما بدون وقفه به تولید ادامه داده است. او درباره تأمین مواد اولیه افزود: هماهنگی لازم با وزارت راه صورت گرفته تا مواد اولیه مورد نیاز به هر نحو ممکن به دست تولیدکنندگان برسد و نگرانی درباره تولید داخل وجود ندارد. پیرصالحی در بخش دیگری از سخنان خود به کنترل و مدیریت توزیع دارو اشاره کرد و گفت: جلساتی با تولیدکنندگان و شرکت‌های پخش برگزار شده تا فروش حجمی به داروخانه‌ها متوقف شود و فروش تحت نظارت کامل سازمان غذا و دارو و معاونت دارو انجام گیرد، تا از انبساط غیرمجاز دارو و شیر خشک جلوگیری شود. او تأکید کرد: دانشگاه‌ها باید آمار دقیق موجودی داروها در بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی را به سازمان ارائه دهند؛ در حال حاضر اطلاعات موجودی شرکت‌های تولیدی و توزیعی در دسترس است اما آمار دقیق از موجودی در مراکز دانشگاهی و بیمارستان‌ها موجود نیست که این موضوع مدیریت را دشوار می‌کند.

رئیس سازمان غذا و دارو خواستار همکاری فوری دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی برای ارسال آمار و اطلاعات موجودی دارو شد تا برنامه‌ریزی‌های لازم برای تأمین و توزیع بهینه دارو انجام شود. پیرصالحی اعلام کرد: تأمین داروهای مورد نیاز باید با هماهنگی کامل سازمان صورت گیرد تا از دیوهای بیش از حد در دانشگاه‌ها جلوگیری شود. بنابر اعلام وزارت بهداشت، هر دانشگاه باید ذخیره مناسب دارویی داشته باشد، اما دیوی اضافی می‌تواند

رئیس سازمان غذا و دارو، در نشست ویناری روسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی سراسر کشور، از استمرار تولید ۲۴ ساعته دارو و تجهیزات پزشکی خبر داد و اعلام کرد که فروش دارو به دانشگاه‌ها با شرایط ویژه و به صورت مدت‌دار ادامه می‌یابد تا مشکلات مالی آنها تسهیل شود. مهدی پیر صالحی در ابتدای سخنان خود شهادت سرداران و دانشمندان کشور را تسلیت گفت و با ابراز همدردی با مردم ایران، به تشریح وضعیت صنعت دارویی و تجهیزات پزشکی کشور پرداخت. او تأکید کرد: شرکت‌های تولیدی دارو و تجهیزات پزشکی با تمام ظرفیت و بدون هیچ تعطیلی در حال فعالیت هستند و تولید سیم و آمپول به صورت ۲۴ ساعته ادامه دارد. او در خصوص فروش دارو اظهار داشت: فروش نقدی دارو محدود به دانشگاه‌هایی است که بدهی زیادی به شرکت‌های پخش دارند، اما با پیگیری‌های انجام شده و دستورهای صادره، فروش نقدی موقتاً متوقف شده و فروش به صورت مدت‌دار با مهلت زمانی مناسب انجام خواهد شد. او ادامه داد: با پیگیری‌های وزیر بهداشت، حدود هشت و نیم همت به هدفمندی اختصاص یافته که بخشی از آن برای پرداخت مطالبات داروخانه‌ها و بیمارستان‌ها به حساب بانک رفاه واریز شده و در روزهای آینده به حساب آنها منتقل خواهد شد. رئیس سازمان غذا و دارو با اشاره به حادثه حمله به یکی از کارخانجات دارویی گفت: اگرچه این کارخانه خسارت‌هایی مانند شکستن شیشه‌ها و آسیب درها



میشه دنیاش یه بار دیگه رنگی بشه... برای حمایت کردن، تو راه رو انتخاب کن!

۰۲۱ - ۲۳۵۴۰

شماره کارت بانک اقتصاد نوین
 ۶۲۷۴-۱۲۱۹-۴۰۰۶-۷۴۶۵



یک اسکن تا سلامتی



تهران، تهران دوست‌داشتی



فاطمه باباخانی |

روزنامه‌نگار|

«ساختمان شما را زدند؟ نه جایی در حوالی ما بود، دودش را از پنجره می‌بینیم. هنوز کار روزنامه باقی است و باید تماش کنیم.» این شرح یک روز عادی در تهران این روزهاست.

ساعت پنج روزیکشنبه ۲۵ خردادکه با دوستی از سر کار بیرون زدم خیابان خلوت بود. همچنان که در روزهای قبل هر وقت‌آومد در شهر تغییر محسوسی داشت. با این حال این همان تهران است، همان خیابان خردمند و کریمخان و همان اتوبوس گرم مسیرهفت تیربه صادقیه که در آن از سر و روی همه عرق می‌ریزد. دستم را به سمت خیابان دراز می‌کنم، راننده می‌ایستد. از خیابان کریمخان خلوت می‌گذریم، اما میدان ولیعصر را به واسطه انفجار در ساختمانی پشت هتل اسپیناس بسته‌اند. راننده مانده است کدام مسیر را برود. فاطمی یا طالقانی، همان روز ساختمانی از وزارت نفت در حوالی طالقانی و ویلا هم هدف قرار گرفته و از سوی دیگر حرف هایی درباره ساختمان وزارت کشور در فاطمی هم بود. می‌گویم پیاده می‌شویم. راننده عذرخواهی می‌کند که نتوانسته ما را به ایستگاه موردنظر برساند، به دل می‌نشیند این عذرخواهی که اصلا نیازی به آن نیست.

میدان ولیعصر هم آن میدان ولیعصر همیشگی نیست. نه خبری از شلوغی و ازدحام و نه خبری از ماشین گشت و مامورانی که همیشه حی و حاضر بودند، حتی به زنان گیر نمی‌دادند. تنها ماموران لباس شخصی و.... حضور چشمگیری دارند. حوالی خیابان فلسطین از ما می‌خواهند کوله‌هایمان را باز کنیم. اول که صدایمان می‌زند فکر می‌کنم برای حجاب است اما می‌گوید کوله را زمین بگذارید. می‌گذاریم و تجسس می‌کنند. اولین بار



تصویر

(عک)

هشدار تخلیه و واقعیت‌های تلخ فرارناپذیر

امن یا ناامن تهران خانه ماست

تهران دیگر شب ندارد. پنج روز است که آسمان پایتخت و چندین استان دیگر ایران، تاریک نمی‌شود؛ روشنایی مهیب انفجارها جای مهتاب را گرفته است. بام تا شام، صدای آژیر، دود، آوار و اضطراب در هم تنیده شده‌اند. حملات موشکی اسرائیل، که از بامداد جمعه آغاز شده، حالا به بخشی از ریتم روزانه مردم بدل شده؛ ریتمی خشن و بی‌رحم.

در برخی محله‌ها، صدای انفجار زودتر از هشدارها می‌رسد. در برخی دیگر، مردم میان آژیرهای اشتباه و واقعی سردرگم مانده‌اند. پنجره‌ها شکسته، دیوارها لرزیده، و چشم‌ها از بی‌خوابی سرخ مانده‌اند. تهران با جمعیتی میلیونی، نه راه پیش دارد، نه راه پس. تنها چیزی که باقی مانده، انتظار است: انتظار برای موشک بعدی، برای خبر بعدی، یا شاید برای پایانی که هیچ نشانه‌ای از آن دیده نمی‌شود. در میانه حملات گسترده موشکی اسرائیل به پایتخت، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، بامداد امروز از ساکنان تهران خواست فوراً شهر را ترک کنند. این پیام که در شبکه اجتماعی «تروئ سوشیال» منتشر شد، در بحبوحه حملاتی صادر شده که طی روزهای اخیر زندگی میلیون‌ها نفر را در تهران و سایر شهرهای ایران مختل کرده است. اما زیرساخت‌های شکننده، ترافیک سنگین و موانع انسانی و اجتماعی، تخلیه تهران را به مأموریتی ناممکن تبدیل کرده‌اند.

حملات پی‌درپی و بحران در پایتخت

از بامداد جمعه، ۲۳ خرداد، تهران و چندین شهر دیگر هدف حملات موشکی اسرائیل قرار گرفته‌اند. اسرائیل هدف از این حملات را «پیشگیرانه» و در راستای جلوگیری از تقویت توان نظامی و هسته‌ای ایران اعلام کرده است. صدای انفجار در محله‌هایی مانند چیتگر، محلاتی و نارمک شنیده شده و گزارش‌هایی از اصابت به ساختمان‌های مسکونی، بیمارستان‌ها و حتی مراکز دولتی مانند صداوسیما منتشر شده است.

در یکی از شدیدترین هشدارها، ارتش اسرائیل از ساکنان منطقه ۳ تهران خواسته این محدوده را فوراً ترک کنند؛ منطقه‌ای که به دلیل وجود بیمارستان‌های مهم و سفارتخانه‌ها از حساسیت بالایی برخوردار است.

گزارش

نمایش انسان‌دوستی جنگ‌طلبان در تهران معنای دیگری دارد

خانه‌های خالی، چراغ‌های روشن



فاطمه علی‌اصغر|

اسریدر|

اینجا تهران است. در لحظاتی که مشغول نوشتن این گزارش هستم، صدای انفجاری در دوردست، شیشه پنجره‌ها را می‌لرزاند. چند نفر جانشان را از دست دادند؟ نمی‌دانم. کودک دیگری در همین لحظه، «تارا»ی کوچکی شد که در خیابان پاتریس لومومبا زیرآوار ماند؟ نمی‌دانم. زنی بی‌دست شد؟ نمی‌دانم. مردی از نفس افتاد؟ نمی‌دانم. آنچه می‌دانم، دستوری است که «دونالد ترامپ» برای میلیون‌ها نفر در سرزمینی کهن با هزاران کیلومتر فاصله صادر کرده است: «همه باید فوراً تهران را ترک کنند.» پیش از او، این پیام را اسرائیلی‌ها هم داده بودند. نمایش انسان‌دوستانه آن‌ها در برابر ملت‌های جهان اما اینجا در پایتخت ایران معنای دیگری پیدا

حشدار ترامپ و واکنش‌های جهانی

ترامپ در پیام خود نوشت: «ساکنان تهران باید فوراً شهر را ترک کنند. ایران می‌توانست توافق را امضا کند. حالا چه جان‌هایی که از دست رفت.» این پیام در حالی منتشر شده که تهران، با جمعیتی حدود ۱۵ میلیون نفر، فاقد ظرفیت تخلیه سریع است. گزارش‌ها از ترافیک سنگین در خروجی‌های شهر، کمبود سوخت، و انسداد مسیرهایی مانند آزادراه تهران–قم حکایت دارند. در سطح بین‌المللی، مواضع متفاوتی در قبال حملات شکل گرفته است: ژاپن آن‌ها را محکوم کرده، آلمان از «حق دفاع» اسرائیل حمایت کرده، و اتحادیه اروپا و آمریکا در تلاش‌اند تا از جهش قیمت انرژی جلوگیری کنند. کاخ سفید با صدور بیانیه‌ای اعلام کرده هدف ترامپ از هشدار تخلیه، ایجاد فشار سیاسی برای بازگرداندن ایران به میز مذاکره بوده است.

تخلیه‌ای که ممکن نیست

شبکه راه‌های تهران حتی در روزهای عادی هم کشش این حجم ترافیک را ندارد. حالا با حملات موشکی، کمبود بنزین و فلج شدن پمپ‌های سوخت به‌ویژه در جنوب پایتخت، فرار از شهر عملاً غیرممکن شده است. حمله به پالایشگاه ری هم وضعیت تأمین سوخت را بحرانی کرده است. از سوی دیگر، سالمندان، بیماران و افراد دارای معلولیت امکان خروج سریع را ندارند. بسیاری از بیمارستان‌های اصلی پایتخت در مناطق ناامن واقع شده‌اند و انتقال بیماران به مراکز درمانی خارج از شهر برای خانواده‌ها به کاری غیرممکن بدل شده است.

روایت یک خانواده از میان بحران

خانواده اسکندری، ساکن نارمک، تصویری زنده از دشواری‌های شهروندان در این شرایط ارائه می‌دهد. محمد اسکندری، پدر ۷۸ ساله خانواده، به بیماری قلبی مزمن دچار است و برای تنفس به دستگاه اکسیژن وابسته است. فاطمه، همسر او، می‌گوید: «حتی اگر بخواهیم تهران را ترک کنیم، کجا برویم؟ بیمارستان نزدیک خانه هم دیگر امن نیست.» پسر خانواده، علی، اضافه می‌کند: «بنزین نداریم، ماشین‌مان هم آمادگی سفر ندارد. هیچ چیز مشخص نیست، فقط اضطراب و آشفتگی.»

روان جنگی: تهدید خاموش

در کنار واقعیت میدانی، اثر روانی هشدار ترامپ شهر را در شوک فروبرده است. بسیاری کاربران شبکه‌های اجتماعی این پیام را بخشی از جنگ روانی می‌دانند. یک کاربر نوشته: «اگر همه بخواهند بروند، جاده‌ها قفل می‌شود. توی گرما، بدون بنزین، وسط راه می‌مانیم.»

قطع و وصلی مکرر اینترنت، نبود اطلاعات رسمی و سردرگمی، فضای ذهنی شهروندان را ملتهب کرده است. ستاد بحران از مردم خواسته آرامش خود را حفظ کنند اما شکاف میان اطلاع‌رسانی رسمی و واقعیت خیابان‌ها عمیق‌تر از آن است که با یک پیام کوتاه ترمیم شود.

دیپلماسی روی تیغ

در حالی که موشک‌ها همچنان بر سر پایتخت فرود می‌آیند، عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، در پیامی از ترامپ خواسته برای توقف حملات وارد عمل شود. او هشدار داده که هرگونه مداخله مستقیم آمریکا، راه هرگونه مذاکره را خواهد بست. ترامپ اما در گفت‌وگویی اعلام کرده هدفش نه آتش‌بس، بلکه «پایانی واقعی» برای بحران است و از عبارت «تسلیم کامل» استفاده کرده است. تحلیلگران معتقدند هشدار تخلیه، بخشی از استراتژی فشار حداکثری ترامپ برای تحمیل توافقی جدید به ایران است.

آینده‌ای در راه‌های از بهام

در غیاب چشم‌اندازی روشن، تهران در بالاتکلیفی بسر می‌برد. گزارش‌هایی تأییدنشده از کشته‌شدن برخی فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان هسته‌ای منتشر شده است، اما هیچ مقام رسمی این اخبار را تأیید یا تکذیب نکرده است.

در چنین شرایطی، خانواده‌هایی مانند اسکندری‌ها تنها نیستند. میلیون‌ها شهروند میان دو گزینه‌ی ناممکن گیر افتاده‌اند: ماندن زیر سایه‌ی حملات، یا رفتن در دل یک فرار بی‌انتهای بی‌سرانجام. تخلیه تهران، اگر هم قابل تصور باشد، نه با هشدارهای توییتری بلکه با آمادگی‌های ملی امکان‌پذیر است: آمادگی‌ای که امروز اثری از آن نیست.

است که از گشتن کوله‌ام خوشحالم، می‌گویند برویم. رد می‌شویم از خیابان فلسطین، از کنار هتل اسپیناس، از کنار مردمی با چمدان، از کنار جوانانی که گروهی در حال قدم زدن هستند. بلوار کشاورز تغییر کرده است. دیگر روی نیمکت‌ها زوج‌های جوان ننشسته‌اند و سر در گوش هم ندارند، خبری از دوچرخه‌سوارها نیست، یا موتورسوارهایی که بی‌هوا در پیاده‌رو یا در میانه بلوار بی‌توجه به حقوق عابران و دوچرخه‌سواران می‌رانند. مغازه‌ها هم یکی در میان بازند، آنها که من می‌خواهم نه! می‌خواستم بادنجان سرخ شده بگیرم برای تهیه غذا برای دوست دیگری که شب قرار بود خانمان بیاید و عاشق بادنجان است.

به خانه می‌رسیم. سعی می‌کنیم همان کارهای روزمره را انجام دهیم، یادم رفته بود چند ماسک در کیف اجات جلوی در بگذارم، در ساک را باز می‌کنم و ماسک‌ها را جا می‌دهم، یک فنکد و یک تن ماهی که آن روز خریده بودم را هم اضافه می‌کنم. در حین پختن شام صدای پدافند می‌آید. شام را با دوستمان می‌خوریم و باز صدای پدافند. می‌خوابیم و نیمه شب با صدایش بیدار می‌شویم. می‌خوابیم و دوباره بیدار می‌شویم. حوالی ساعت چهار صبح می‌گویم این آخرین بار است، لاف‌ل تجربه این چند روزه نشان داده است. روز بعد وقتی از خانه بیرون می‌زنم، وقتی وسایل را در ماشین می‌گذارم، از دور صدای پدافند می‌آید. اشک از چشم‌های من. حالاست که می‌فهمم ترک خانه چقدر تلخ است، خرس چوبی را برمی‌دارم به عنوان یادگاری. نرسیده به مقصد می‌فهمم که اشتباه کرده‌ام. باید می‌ماندم در تهران، تهرانی که دوست داشتم و دارم، تهرانی که از ۱۹ سالگی در آن دانشجو شدم، درس خواندم، کار کردم، اعتراض کردم و هزار اتفاق دیگر در آن برآینم افتاده است. تهرانی که دوستام هستند، خانم‌ها، خاطراتم. حالاست که می‌فهمم ترک غزه تصمیم سختی بود برای ساکنانش و بازگشتن به ویرانه اگر خانه‌ات باشد آرامش‌بخش است. نه نمی‌شود خانه را، دوستان را، محله را، بلوار کشاورز را، خیابان خردمند را، میدان شجاع و هزار چیز دیگر را گذاشت و رفت.

در دو راهی رفتن یا ماندن

نه! نه! قلبم نمی‌خواهد خانه کوچکم را رها کند

آمده‌اند و فهمیده‌اند «جنگ» به خانه‌شان رسیده و عده‌ای هنوز در شوکت‌اند. نمی‌توانند مادر و پدر پیرشان را برای رفتن از شهری که مدام اعلام خروج از آن می‌دهند راضی کنند. یکی از آنها در تویتر از دیگران می‌خواست تا به او بگویند چطور پدر و مادرشان را برای رها کردن خانه راضی کرده‌اند؟

«آخرین عکس با خانه»، «آخرین تصویر خانه‌ای که دوستش دارم»، «آخرین آب دادن به گل‌های خانه»... آخرین... آخرین... اینها را بسیاری دیگر نوشته‌اند و با خانه‌شان خداحافظی کرده و حالا تعدادی از آنها در جاده‌های مختلف کشورند. با ترس از تمام شدن بنزین و ترافیک.

یکی از کاربران در تویترش از درزها خواسته تا خانه‌های خالی مانده را رها کنند و به آنها دستبند نزنند و تعدادی دیگر از محتویات ساک‌هایشان گفته‌اند. از اینکه نمی‌دانند چه چیزی با خود برداشته‌اند و فکر می‌کنند چه چیزهایی را جا گذاشته‌اند. مانند مریم که تصویری از دو جلد کتابش را گذاشته و نوشته «نمی‌دانم چرا اینها را برداشته‌ایم، لحظه‌ای که برداشتم به هیچ چیز فکر نمی‌کردم...»

مهتاب هم عکس خانه‌اش را گذاشته. در صبحی که خبری از جنگ نبود و نوری آرام بر لیبوان‌های چایی ناپییده بود، او امیدش برگشت به خانه است و برای همین عکسی از بخود بروز خانه‌اش برنداشته است. او عکس روزی عادی را برداشته، روزی در هفته‌های گذشته که آفتاب پهای‌اش می‌تابید و آسمانش پر از چنگنده نبود.

برزخی به وسعت یک شهر

ماندنت و تصمیمی می‌ایستی، یا می‌روی و تمام تلاشت را می‌کنی که به پشت سر نگاه نکنی. اما وقتی پدر یا تمام نیازش به داروهای حیاتی گوشه خانه چشم به صفحه تلویزیون دوخته و نمی‌توانی بفهمی در ذهنش چه می‌گذرد و مادر ظاهراً سرش گرم پخت و پز است اما خوب می‌دانی که دلش آشوب است و تو نمی‌توانی به جای همه آنها تصمیم بگیری که بماندی یا بروی، دنیا برزخ زجر آوری می‌شود. در تهران خانه‌های زیادی این وضعیت را دارند. خانه‌هایی که برزخ‌اند. آنها که تکلیفشان با رفتن روشن بود همان روز و ساعات اول دل زدن به آن ترافیک چند کیلومتری تهران، اما آنها که مانند‌ای مقصدی نداشتند یا تصمیمشان به ماندن بود. جنگ روانی اما کار خود را کرده است. بسیاری از کسانی که در موج دوم خروج از تهران در ترافیک مسیره‌های خروجی مانده‌اند، هنوز برای انتخاب مقصد تردید دارند، فقط رفته‌اند که جانشان را نجات دهند. نمی‌دانند قرار است به کجا بروند.

مردها دغدغه تأمین بنزین دارند. مردها دغدغه پیدا کردن دارو دارند. مردها دغدغه تأمین امنیت خانواده‌شان را دارند. مردها کم حرف می‌زنند و ترجیح‌بند همان حرف‌های معدودشان این است که: «مسئولیت جان این خانواده با من است.» زنها نگران فرزندانشان و آینده‌شان هستند. زنها به آسایش خانواده فکر می‌کنند. به اینکه عاقبت این خانه چه می‌شود. به خون دلی که برای گوشه گوشه این خانه کشیده‌اند فکر می‌کنند. به خاطرات پشت هر کدام از خرد و زیرهای خانه، به تمام اتفاقاتی که در خانه افتاده از تولد بچه‌تا تل عروسی‌شان، از راه رفتن نوه‌ها، زنها کمتر حرف می‌زنند و بیشتر به گوشه‌های خیره می‌شوند. تهران دیگر امن نیست. این را همه می‌دانند. اما همه نمی‌توانند آنرا ترک کنند. هر کس دلیلی دارد برای ماندن، هر کس دلیلی دارد برای رفتن. اما چه باستی و چه نه، تهران دیگر امن نیست. و این تمام ماجراست. ماجرای رفتن از تهران یک تصمیم است، اما اگر یک بیک رفتن باشی گرفتن این تصمیم راحت‌تر است. یا می‌مانی و پای



فرزانه قبادی |

روزنامه‌نگار|

در یک لحظه باید عصاره زندگی‌ات را در یک کوله‌پشتی و چمدان جاده‌ی و با تمام دل‌سنگی‌هایت خداحافظی کنی و راهی ناگجایادی شوی که جنگ برایت ساخته است. رئیس‌جمهور آمریکا در پیام‌های نگران‌کننده مدام تأکید می‌کند مردم تهران را ترک کنند. اسرائیل بر این تأکید مهر تأیید می‌زند و تهرانی‌ها راهی جاده‌های پرترافیک و پمپ بزنی‌های پر ازدحام می‌شوند تا تهران را به مقصدی معلوم یا نامعلوم ترک کنند. این اما تمام ماجرا نیست. آدم‌ها قبل از اینکه پا در راه بگذارند، در خانه برای رفتن و ماندن، برای گرفتن تصمیمی از سر جبر، با خود جدل دارند. نمی‌دانند جنگ قهری است چقدر طول بکشد. نمی‌دانند سروناشت خانه‌شان چه خواهد شد. کی به خانه بر می‌گردند. وقتی فقط می‌دانند که دشمن گفته باید بروند، به کجا؟ مهم نیست. جنون جنگ چیزی از این دغدغه‌های آسمانی نمی‌داند. هنوز کسی نمی‌داند از ۱۴ میلیون تهرانی، چند نفر در این چند روز شهر را ترک کرده‌اند. شبها برای تسلی خاطر می‌شود کنار پنجره ایستاد و تعداد پنجره‌های روشن را شمرد و دل خوش کرد که «هنوز همه نرفته‌اند» اما صبح می‌شود و پا با خیابان‌های خلوت می‌گذاری یا وقتی تلفن پشت تلفن ترغیبت می‌کند به رفتن، باز پناه‌ایت ساز دیگری می‌زنند و قلبت ساز متفاوتی. باز برزخ پیش چشم‌ت هویداست و تردید به جات چنگ می‌زند.

رفتن از تهران یک تصمیم است، اما اگر یک بیک باشی گرفتن این تصمیم راحت‌تر است. یا می‌مانی و پای

قوانین بین‌الملل درباره حفاظت از محیطزیست در جنگ چه می‌گویند؟

محیطزیست نباید قربانی جنگ شود

بند ۵ منشور جهانی طبیعت که در سال ۱۹۸۲ در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید، می‌گوید باید طبیعت را در برابر صدمات ناشی از جنگ و سایر فعالیت‌های خصمانه در امان داشت



— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]

— [۳]



جعفر مهربان

روایت «جعفر مهربان»، باستان‌شناس، از تجربه حفاظت موزه‌ها در جنگ ایران و عراق

برای نجات آثار موزه‌ها ریشخندان می‌کردند

ایپام |سخت است این روزها که آسمان ایران می‌خروشد و زمینش بی‌تاب می‌شود، درباره حفاظت از آثار تاریخی و موزه‌ای گفتن و هشدار دادن. واقعیت اما این است که هویت تاریخی این ملت کهن با دست‌های خونین و دل‌های امیدوار به آینده، ماندگار شده است. زنان و مردان بسیاری قرن‌هاست که جان خود را ندادیده گرفته‌اند تا فرهنگ و تاریخ این مرزوبوم پایدار بماند. یکی از آنها بی‌شک «جعفر مهربان»، باستان‌شناس پیشکسوت، است. او در روزهای نخستین جنگ ایران و عراق، وقتی کمتر کسی در ایران به فکر آثار باستانی و حفظ تاریخ بود و حتی آنها را مضحک می‌دانستند؛ ایده انتقال آثار موزه ملی ایران به مخزن زیرزمینی را داد. پس ازآن، یک ماه از جنگ نگذشته زیر توپ و خمپاره رفت تا با دستانی خالی، آثار موزه‌ای ایران در خوزستان را نجات دهد و به‌جای امن برساند. آثاری که باعث فخر و مباهات ایرانیان است و قرار است تا این سرزمین پریاست برای مردانش باقی بماند.

«جعفر مهربان» روایتی را نقل می‌کند که نشان می‌دهد در میان خاک و خون، هنوز کسانی بودند که دغدغه‌شان علاوه‌بر جان و نان مردم، هویت و فرهنگ یک ملت هم بود. او و همکارانش وقتی سایه جنگ بر ایران افتاد، نقش مهمی در حفظ آثار فرهنگی و تاریخی کشور ایفا کردند. او درباره تلاش‌هایش برای حفظ آثار موزه ملی ایران می‌گوید:

«رئیس موزه ملی آن روزها یک آقای جوان بود. به رئیس موزه گفتم اشیا را جمع‌آوری و به مخزن منتقل کند، اما می‌دیدم خیلی جدی نمی‌گیرد. وضعیت حفاظتی موزه خیلی ضعیف‌تر از الان بود. وقتی دیدم تذکرهایم را جدی نمی‌گیرند، با تلفن عمومی زنگ می‌زدم، صدیام را عوض می‌کردم و می‌گفتم: «شما نمی‌خواهید موزه را تخلیه کنید؟ عراق دارد موزه‌هایش را تخلیه می‌کند.» آنقدر به‌صورت ناشناس زنگ زدم و تذکر دادم تا بالاخره یک روز قرار شد این کار انجام شود.» کار بسته‌بندی شروع شد: «من بودم، خسرو پوربخشنده، زندیاد کابلی و کارمندانی که آن زمان در موزه حضور داشتند. مقداری کاغذ جمع کرده بودیم و با آنها اشیا را بسته‌بندی می‌کردیم. من روی این کاغذها یواشکی می‌نوشتم: «جنگ چیز بدی است، زنده



| جعفر مهربان |

| باستان‌شناس |

به‌طور زردوم اشیای موزه هفت‌تپه، شوش و انبارهای فرانسوی‌ها را که سال‌ها روی آنها مطالعه شده بود، بررسی و بسته‌بندی می‌کردیم

جالب بود که در آن زمان درهای موزه بر اثر انفجارهای حملات شکسته بود، اما کسی به اشیا دست نزده بود و همه‌چیز سرجای خودش بود

خبر

مدیرکل میراث اصفهان به «پیام ما» از حفاظتِ میراث جهانی این شهر خبر داد

اعلام هشدار رسمی ایران به یونسکو

اصفهان، این نگین درخشان در جغرافیای فرهنگی ایران و جهان، بار دیگر در معرض تهدیداتی قرار گرفته که نه‌تنها امنیت شهروندان بلکه موجودیت میراث جهانی آن را هدف گرفته است. شهری که در تاریخ معاصر نیز طعم تلخ جنگ و تهدید را چشیده است؛ از جمله در دوران جنگ تحمیلی که مسجد جامع تاریخی آن در حملات هوایی رژیم بعث عراق آسیب دید. اکنون و در بنبوحه تنش‌های منطقه‌ای و تجاوزات اخیر رژیم صهیونیستی، مسئله‌ای فراتر از سیاست در مرکز توجه قرار گرفته است؛ حفاظت از هویت تاریخی و تمدنی یک ملت. «امیر کرم‌زاده»، مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان، پیش‌تر در گفت‌وگوهایی با رسانه‌ها هشدار داده بود که هرگونه آسیب به آثار تاریخی، به‌ویژه آثار ثبت‌شده در فهرست جهانی یونسکو، نه‌تنها یک خسارت مادی یا فرهنگی، بلکه طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی جایبت جنگی محسوب می‌شود. او تأکید کرده بود حتی موج انفجار و آلودگی صوتی ناشی از آن می‌تواند به سازه‌های چندصدساله، آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد کند؛ تجربه‌ای که در جنگ‌های مدرن، متأسفانه بارها و بارها شاهد آن بوده‌ایم. درحالی‌که نهادهای بین‌المللی مانند یونسکو، ایکوم و ایکوموس، همچنان در برابر تهدیدات مستقیم یا غیرمستقیم به این آثار سکوت کرده‌اند، اداره‌کل میراث‌فرهنگی اصفهان وارد فاز عملیاتی و حفاظتی اضطراری شده است. انتقال اشیای موزه‌ای به مخازن طبقه‌بندی‌شده و فوق‌امنیتی، پلمب موزه‌ها، استقرار نیروهای امنیتی و فعال‌سازی نقشه جامع حفاظت اضطراری از بناهای جهانی، همه، نشان از آن دارد که رویکردی کاملاً پیشگیرانه و سنجهیده در جریان است. در گفت‌وگوی اختصاصی با «امیر کرم‌زاده» او با صراحت، شفافیت و جزئیاتی که تاکنون در هیچ رسانه‌ای منتشر نشده، از مکاتبات رسمی با یونسکو، هشدارهای حقوقی، طراحی نقشه واکنش سریع، تدوین سناریوهای چندلایه حفاظتی و هماهنگی با نیروهای نظامی و انتظامی سخن گفت، گفت‌وگویی که تنها روایت وضعیت نیست بلکه سندی رسانه‌ای برای ثبت دقیق آن چیزی است که امروز بر میراث جهانی اصفهان می‌گذرد.

پیشرفته، نظارت ۲۴ساعته، حسگرهای حرکتی و ساختار مقاوم‌سازی‌شده طراحی شده‌اند و جزو امن‌ترین مخازن کشور محسوب می‌شوند. افزون بر آن، تمامی گشت‌های یگان حفاظت در سطح استان اصفهان، از مرکز استان تا دورافتاده‌ترین نقاط، به‌صورت شبانه‌روزی فعال هستند. گشت‌های ویژه دراطراف بناهای تاریخی، محوطه‌های مستقر شده‌اند. همچنین، نیروهای پشتیبانی از مساجد قدیمی مستقر شده‌اند. همچنین، کاروانسراها، پل‌های تاریخی، بازارها و سوی نهادهای امنیتی، انتظامی، آتش‌نشانی و اورژانس درصورت بروز هرگونه حادثه به‌صورت واکنش سریع وارد عمل می‌شوند.

🔴درباره بناهای ثبت‌شده در فهرست جهانی یونسکو، از جمله میدان نقش‌جهان، مسجد جامع عتیق و کاخ چهلستون، چه تدابیر ویژه‌ای در نظر گرفته شده است و چگونه از آنها در برابر حملات احتمالی دشمن محافظت می‌شود؟

بناهای ثبت جهانی، به‌عنوان نمادهای هویت تمدنی ایران و نمایندگان میراث بشری، از اولویت‌داترین آثار در طرح‌های

تشکیل نشده بود. ما به‌عنوان باستان‌شناس بیکار شده بودیم و هیچ کاوشی انجام نمی‌شد؛ پیامدهای جنگ باعث رکود در فعالیت‌های باستان‌شناسی شده بود. در مرکز باستان‌شناسی آن زمان، صحبت می‌کردیم که اگر جنگ شود، چه اتفاقی برای میراث‌فرهنگی می‌افتد؛ هر کس به حرفه خودش فکر می‌کرد، ما هم به فکر میراث‌فرهنگی بودیم. ایده اینکه آثار در نواحی مرزی در خطر است، مطرح شد و مهندس شیرازی، که یادش گرمی باد، پیشقدم این موضوع شد و موضوع در سطوح بالاتر مطرح. قرار بر این شد که تیمی متشکل از دو باستان‌شناس، یک راننده از دفتر آثار تاریخی و من از مرکز باستان‌شناسی ایران و یک جمع‌دار اموال بنام آقای صابرنیا از اداره موزه‌ها به خوزستان بروند. با یک لندرو، چند کارتن، مقداری پنبه و گونی و سیم و سرب، عازم شدیم برای نجات آثار. آن زمان جنگ هنوز به مناطق دیگر کشیده نشده بود، اما در غرب و جنوب‌غربی کشور ادامه داشت. ما از زیر بمباران‌ها رد شدیم و به اندیمشک رسیدیم. از آنجا از مسیرهای خاکی و بیابان خود را به اهواز رساندیم. هیچ‌کس پاسخگو نبود و به داد ما نرسید. تصمیم گرفتیم در هفت‌تپه مستقر شویم، چون دسترسی به آنجا امکان‌پذیر بود. جاده اندیمشک به شوش، به‌علت محاصره و قرار داشتن در تیررس دشمن، بسیار خطرناک بود.»

🔴درهای موزه شکسته بود، اما کسی به اشیا دست نمی‌زد

آنها به خوزستان رسیدند. در هفت‌تپه مستقر شدند و تمام آثار موزه‌های آن منطقه را از گزند جنگ نجات دادند، اما این تمام ماجرا نبود. این راه به‌راحتی طی نشد: «درست یک ماه بعد از شروع جنگ ما وارد خوزستان را شدیم. در مسیر خود به خوزستان، خانواده‌هایی را می‌دیدیم که دار و ندارشان را بار تریلی کرده بودند و به شهرهای مرکزی ایران می‌بروند. مردم در جنگل‌ها و دره‌های خرم‌آباد مستقر شده بودند. هنوز بحث مکتب‌رسانی به جنگ‌زدگان مطرح نشده بود. شوش در محاصره و جاده اندیمشک در تیررس دشمن بود و عراقی‌ها مرتب آن را بمباران می‌کردند. مارش‌های نظامی برای عملیات مرتب در رادیو شنیده می‌شد.» او از کاشیکاری‌هایی می‌گوید که سنگر سربازان شده بود: «در ساختمان قلعه شوش یک تابلوی کاشیکاری‌شده قرار داشت که تبدیل به سنگر سربازان شده بود. سه روز طول کشید تا از اراک، خرم‌آباد و مسیرهای خاکی به اهواز برسیم. بدلیل شناختی که از هفت‌تپه داشیم، این منطقه را برای اقامت انتخاب کردیم. هیچ امکاناتی نداشتیم، با پنخوا پنجره‌ها را مسدود کرده بودیم و با یک چراغ ۱۲ولتی که از باتری لندرور تغذیه می‌شد، روشنایی داشتیم.» راننده به تهران برگشت، اما چهار کارشناس دیگر در هفت‌تپه ماندند تا کار را به نتیجه برسانند: «علاوه‌بر لندرور یک ماشین سیمرغ بدون چراغ متعلق به وزارت فرهنگ و هنر سابق هم آنجا داشتیم که با همین‌ها تردد می‌کردیم. «غلام رستگار»، رئیس کتابخانه شوش، راننده خودروی سیمرغ اداره فرهنگ و هنر شوش بود که جان بر کف زحمت رانندگی و جابه‌جایی ما را در سپیده‌دم روزهایی که به موزه می‌رفتیم، برعهده داشت. در تارک و روش اول صبح راهی می‌شدند برای بسته‌بندی آثار: «قبل از طلوع آفتاب وارد شوش می‌شدیم. می‌دیدیم که زنان عرب با زینل‌هایی که اندک دارایی‌شان بود، از دروازه‌های شوش خارج می‌شدند تا از مناطق جنگی دور شوند.» بسته‌بندی اشیا نمی‌توانست براساس اولویت و اهمیت اشیا صورت گیرد: «ما به‌طور زردوم اشیای موزه هفت‌تپه، شوش و انبارهای فرانسوی‌ها را که سال‌ها روی آنها مطالعه شده بود، بررسی و بسته‌بندی می‌کردیم. جالب بود که در آن زمان درهای موزه بر اثر انفجارهای مختلف شکسته بود، اما کسی به اشیا دست نزده و همه‌چیز سرجای خودش بود. اشیا را در جعبه‌های چوبی که در کاوش‌ها برای انتقال تکه‌های سفال باستان‌شناسی استفاده می‌کردیم؛ قرار می‌دادیم و در ماشین سیمرغ

🔴به‌سمت مناطق جنگی با یک لندرور

«از آنجا که طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی میراث باستانی تاریخی و مظاهر فرهنگی باید به دور از خطر تخریب و جنگ گیرد، درحالی‌که میراث باستانی ما در مرزهای غربی در تیررس دشمن بود و موزه آبادان در نخستین یورش دشمن در معرض بمباران قرار گرفته بود؛ با تسخیر ایوان کرخه سربازان تا نزدیکی رود شاورور در شوش سنگر گرفته بودند. قلعه و جایگاه باستانی شوش در تیررس نیروهای نظامی بود و بیم آسیب و انهدم آثار و یادمان‌های بیشتری می‌رفت. اولوطبلانه عازم خوزستان جنگ‌زده شدیم.» مهربان درباره اینکه چه مدت بعد از شروع جنگ ایران و عراق اقداماتشان برای حفاظت از اشیا و آثار را آغاز کردند، می‌گوید: «تشکیلات میراث‌فرهنگی به‌معنای امروزی هنوز

در سطح شهرستان‌ها نیز این برنامه‌ها عملیاتی شده‌اند؟

خبر، تدابیر حفاظتی به‌هیچ‌وجه محدود به مرکز استان یا آثار شاخص نیست. اصفهان استانی است با ۲۴ شهرستان و بیش از دو هزار و ۵۰۰ اثر ثبت ملی؛ رویکرد ما پوشش کامل و یکپارچه تمامی این آثار است. در هر شهرستان، فرماندار به‌عنوان رئیس شورای تأمین محلی موظف به هماهنگی کامل با یگان حفاظت، اداره میراث‌فرهنگی و نهادهای انتظامی است. تمامی آثار واجد ارزش تاریخی، اعم از بناهای مذهبی، مسکونی، صنعتی، دفاعی و همچنین پل‌ها، آسیاب‌ها، کاروانسراها و محوطه‌های باستانی، شناسایی، اولویت‌بندی و تحت حفاظت قرار گرفته‌اند. همچنین، سامانه‌های ارتباط فوری بین یگان‌های استانی و مرکز اداره‌کل فعال است تا در صورت بروز هرگونه تهدید، اقدامات جبرانی و واکنش سریع عملیاتی شود.

🔴درباره اشیای تاریخی موجود در موزه‌های دولتی و غیردولتی، به‌ویژه مجموعه‌هایی که در اختیار شهرداری‌ها، بنیاد مستضعفان یا بخش خصوصی هستند، چه تدابیری اندیشیده‌اید؟

تمامی اشیای تاریخی موجود در موزه‌های استان، چه در اختیار دولت، چه شهرداری‌ها، بنیادها و حتی موزه‌های خصوصی، تحت ضوابط مطرح وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی ملزم به رعایت دستورالعمل‌های حفاظتی اضطراری هستند. در پی

ابلاغ هشدارهای امنیتی اخیر، این اشیا با طبقه‌بندی دقیق، به مخازن فوق‌امنیت منتقل شده‌اند. برخی از این مخازن، به‌لحاظ امنیتی، در نقاطی قرار دارند که حتی موقعیت دقیق آنها صرفاً در اختیار مسئولان سطح بالا قرار دارد. هدف ما، حفاظت حداکثری از دارایی‌های فرهنگی ملت ایران است، فارغ از مالکیت نهادی. علاوه‌برآن، سامانه‌های ثبت، شناسایی و کدگذاری این اشیا نیز هم‌اکنون به‌روزرسانی شده‌اند و وضعیت لحظه‌ای آنها در سامانه‌های مرکزی وزارتخانه ثبت و پایش می‌شود. البته جزئیات فنی و امنیتی این مخازن به‌دلیل ماهیت محرمانه، قابل‌انتشار نیست، اما به مردم و علاقه‌مندان میراث‌فرهنگی اطمینان می‌دهم که امنیت اشیای تاریخی ما در بالادین سطح ممکن است.

🔴با توجه به سرمایه‌گذاری سال‌های اخیر استان اصفهان در حوزه مستندسازی دیجیتال، تسخیرداری الکترونیک از پرونده‌های ثبتی و حفاظت فنی داده، آیا آمادگی لازم در برابر تهدیدهای سایبری نیز وجود دارد؟

می‌گذاشتیم تا از آن منطقه فرار کنیم. در طول مسیر چندبار دیدبان‌های عراقی به‌سمت ما تیراندازی کردند و چندین ترکش و تیر به خودروی ما برخورد کرد.»

🔴نجات آثار تاریخی در منطقه جنگی

مهربان از روزهایی می‌گوید که هفت‌تپه هنوز جای امنی بود و اعراب زیادی از آنجا عبور می‌کردند تا از مناطق جنگی دور شوند: «ما با همراهی کارکنان فرهنگ و هنر، موزه‌ها و قلعه شوش، به آنها آب می‌دادیم و از آنها پذیرایی می‌کردیم.» کار اصلی آنها هنوز تمام نشده بود: «ما اشیا را با چیزهایی که در اختیار داشتیم، مثل پنبه و خرده‌کاغذ و این‌چور چیزها، مصنوع‌سازی می‌کردیم و در کارتن‌ها قرار می‌دادیم. وقتی کارتن‌هایی که از تهران آورده بودیم تمام شد، به ستاد کم‌کهای مردمی که تازه تشکیل شده بود مراجعه کردیم، ولی به ما کارتن و وسایل بسته‌بندی نمی‌دادند و می‌گفتند: «بروید بابا، الان موقع جنگ است، شما آمدید آثار باستانی را نجات دهید؟!» حتی از ستاد عملیاتی هم کمک خواستیم که چرتقیل برای جابه‌جایی چندتا از اشیای موزه بدهند، اما جواب شنیدیم: «حرفش را هم نزنید، مزاحم کار ما نشوید.» ما امکان ارتباط هم نداشتیم، در هفت‌تپه فقط یک خط تلفن عمومی وجود دارد که همیشه پر از سرپاز بود. گاهی چندین ساعت، در صف می‌ایستادیم تا نوبت ما شود و بتوانیم با تهران تماس بگیریم و گزارش کارها را به زندیاد مهندس شیرازی و دیگران بدهیم.» اشیا را بسته‌بندی و در کارتن می‌گذاشتند، به این امید که آنها را به تنها راه ارتباطی با تهران، که راه‌آهن و از اندیمشک بود، برسانند: «به اندیمشک رفتیم، ولی حاضر نشدند به‌طور رسمی بپذیرند که ما می‌خواهیم اشیای موزه را ببریم به تهران. طبق پروتکل‌هایی که داشتند، گفتند نمی‌توانند اشیای موزه‌ای را حمل کنند و نمی‌توانند این اشیا را در لیست بار ثبت کنند. مجبور شدیم یک واگن بزرگ را در بست کرایه کنیم و حتی اجازه ندادند از سیم سرب برای پلمب واگن استفاده کنیم.» اشیا به تهران رسیدند و تا زمان صلح هم در تهران ماندند. اما: «هیچ‌کجا از ما به هیچ شکلی تشکر نکردند که ما جانمان را کف دستمان گذاشته بودیم و رفته بودیم برای نجات این آثار. البته ما این کار را برای ایران و میراث‌فرهنگی ایران کردیم.»

🔴از آثار شوش تا مفرغ‌های فلک‌الافلاک

هفت‌تپه و شوش تنها محل مأومیت مهربان و همکارانش نبود، آنها قصد داشتند تمام اشیای را که در خطر بودند، نجات دهند؛ اما شرایط جنگی اجازه این کار را به آنها نداد: «قبل از حرکت به‌سمت تهران می‌خواستیم به آبادان برویم و اشیای موزه آبادان را هم بسته‌بندی و همراه اشیای هفت‌تپه منتقل کنیم. رقتیم آبادان، اما ما به شهر راه ندادند؛ چون آنجا در محاصره بود. گفتیم با هلی‌کوپتر ما برویم، ولی ریشخندان کردند. خلاصه که شرایط طوری بود که از نجات آثار موزه آبادان محروم شدیم. اما توانستیم آثار موزه هفت‌تپه، آثار طبقه‌بندی‌شده شوش، آثار موزه شوش، آثار زرزو شوش و هرچه به دستمان رسید را در کارتن‌ها بسته‌بندی و با ماشین‌ها از کوره‌راها ببریم و آبادان را آنجا همان‌طورکه گفتیم در خطر گذاشتیم. هم از طریق خرم‌آباد رفتیم. اشیای موزه فلک‌الافلاک، که کلسیونی از مهم‌ترین اشیای مفرغی ایران در آن نگهداری می‌شود، در چند کارتن قرار دادیم و با همان لندرور آوردیم تهران.» او به یک حقیقت تلخ هم اشاره کوتاهی می‌کند: در روزهایی که آتش عراق بر سر ایران بود: «در آن وضعیت شاید اگر در این مسیرها که آثار را از خرم‌آباد به تهران و از هفت‌تپه به اندیمشک می‌بردیم، کشته می‌شدیم و اشیا به غارت می‌رفتند، اما خوشبختانه در شرایط خاص وظیفه‌مان را انجام دادیم.» حالا با هم میراث‌فرهنگی ایران جنگی دیگر را تجربه می‌کند. امیدواریم که باز هم تدبیرها منجر به نجات این آثار از گزند جنگ شوند.

قطعاً. خوشبختانه استان اصفهان در حوزه دیجیتال‌سازی، مستندسازی فنی و آرشیی الکترونیکی جزو استان‌های پیشرو کشور است. هم‌اکنون تمامی پرونده‌های ثبتی، نقشه‌های فنی، گزارش‌های باستان‌شناسی، تصاویر سه‌بعدی، نقشه‌های مرمتی و اسناد تاریخی به‌صورت کامل در سرورهای ایزوله و پشتیبان ذخیره شده‌اند.

این داده‌ها در چند لایه امنیتی، شامل سامانه‌های رمزگذاری‌شده، مراکز داده فیزیکی جداگانه و نسخه‌های افزاین پشتیبان، حفاظت می‌شوند. درصورت وقوع هرگونه حمله سایبری یا قطع ارتباطات اینترنتی، امکان بازیابی داده‌ها به‌صورت فوری وجود دارد. در کنار این زیرساخت‌ها، آموزش‌های تخصصی به پرسنل فنی و کارشناسان داده نیز ارائه شده تا درصورت وقوع وضعیت اضطراری، عملیات حفاظت از داده‌ها با حداکثر دقت و سرعت انجام گیرد و با افتخار می‌توانم بگویم آمادگی سایبری ما در حفاظت از اسناد و اطلاعات دیجیتال میراث‌فرهنگی مثال‌زدنی است.

🔴آیا تاکنون مکاتباتی رسمی با یونسکو، ایکوموس یا شورای بین‌المللی موزهها (ICOM) درباره تهدیدهای حملات رژیم صهیونیستی علیه میراث‌فرهنگی استان و شهر اصفهان انجام شده؟ پاسخ چه بوده و آیا امکان اعزام کارشناسان بین‌المللی برای کمک وجود دارد؟

بله. اداره‌کل میراث‌فرهنگی استان اصفهان، از طریق وزارتخانه و همچنین به‌صورت مستقل، مکاتباتی با نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط انجام داده و هشدارهای لازم را منتقل کرده است. مطابق مفاد کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و سایر اسناد بین‌المللی، کشورهای عضو، متعهد به عدم تهدید، تخریب یا هدف‌گیری میراث‌فرهنگی در زمان حمله هستند. ما از یونسکو و شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌ها (ایکوموس) انتظار داریم با صدور بیانیه، موضع‌گیری رسمی و پیگیری‌های جدی، به مسئولیت جهانی خود در قبال میراث بشری عمل کنند.

متأسفانه فعلا شرایط پروازمنوع و موقعیت جنگی، امکان حضور کارشناسان خارجی در کشور وجود ندارد. اما وزارت میراث‌فرهنگی، وزارت امور خارجه و نمایندگان ایران در نهادهای بین‌المللی پیگیر ارسال هشدارها، مکاتبات درخواست‌ها هستند تا حساسیت‌های جهانی نسبت به حفاظت از آثار فرهنگی ایران افزایش پیدا کند.



تصویر: [عکس]

پروژه‌های که بتن و شیشه را با روح ایرانی پیوند زد

حمله به مدرن‌نیم

یادداشت

زخم جنگ بر پیکر تاریخ مدرن ایران

ساختمان شیشه‌ای صداوسیما، شاهکار «عبدالعزیز فرمانفرمائیان»، در آتش حمله موشکی سوخت

هشدار برای حفظ میراث معماری که هویت یک ملت را روایت می‌کند

در کنار دیگر آثار فرمانفرمائیان مانند استادیوم آزادی، ساختمان‌های وزارت نفت، وزارت کار و پست و تلگراف، سندی بود از دورانی که ایران تلاش می‌کرد با معماری و برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری، هویت مدرن خود را به جهان نشان دهد. وقتی به این ساختمان نگاه می‌کردیم، دیوارهایش زنده بودند. اما حالا شیشه‌هایش که روزگاری آسمان تهران را بازتاب می‌دادند، ترک‌خورده و دودگرفته‌اند. ستون‌های بتنی‌اش که با صلابت وزن تاریخ را تحمل می‌کردند، در برابر موشک‌ها تاب نیاوردند. این تخریب، فقط از بین رفتن یک ساختمان نیست بلکه گسستی در حافظه جمعی ماست. بنایهای مثل این، آجرهای جادوئی داستان ملتی را روایت می‌کنند که در دهه‌های گذشته برای پیشرفت و نوآوری می‌کوشید. آنها مدرکی هستند از اینکه ما روزگاری چگونه می‌اندیشیدیم، چه می‌خواستیم و چگونه آینده را تصور می‌کردیم.

برداشت. ساختمان شیشه‌ای صداوسیما در مجموعه جام‌جم، این بنای نمادین که از سال ۱۳۴۶ چون نگینی در خیابان ولیعصر می‌درخشید، در پی حمله موشکی اسرائیل در شعله‌های آتش گرفتار شد. دود غلیظ از پنجره‌های شکسته‌اش به آسمان زبانه کشید و بخشی از تاریخ و هویت ایران در آن آتش سوخت. این بنا، شاهکاری از «عبدالعزیز فرمانفرمائیان»، نه فقط یک ساختمان که روایتی ملموس از آرزوهای ایران مدرن بود. تصور کنید در سال ۱۳۴۶ و تهران در تکاپوی مدرنیته که عبدالعزیز فرمانفرمائیان، معمار چیره‌دست و به‌قولی پدر معماری مدرن ایرانی، این ساختمان را با خطوط تیز، شیشه‌هایی گسترده و هندسه‌ای خاص که به معماری ایران توجه داشت، خلق کرد. نمای شیشه‌ای این ساختمان که در نور خورشید می‌درخشید، گویی آینده‌ای روشن را نوید می‌داد.

از اول فروردین همان سال، این بنا قلب تپنده رسانه ایران شد. جایی که صدای رادیو و تصویر تلویزیون برای اولین‌بار از استودیوهایش به خانه‌های مردم رسید. اما این فقط یک مرکز رسانه‌ای نبود. این بنا،



علیرضا فرسانی | معمار

براساس گفته‌های مهرداد زواره محمدی، ساختمان شیشه‌ای در زمین حدود ۱۰ هکتاری با ۳ هزار و ۵۰۰ متر مربع سطح اشغال روی زمین و در ۴ طبقه روی زمین و طبقات زیر زمین ساخته شده که کل زیربنای این پروژه ۲۵ تا ۳۰ هزار مترمربع زیربنای ناخالص پروژه باشد، البته نباید حیاط بسیار جذاب و دیدنی این بنا را نادیده گرفت، این حیاط که در مرکز پروژه قرار گرفته با ایده حیاط مرکزی خلق شده اما با یک بیان مدرن ارائه شده است.

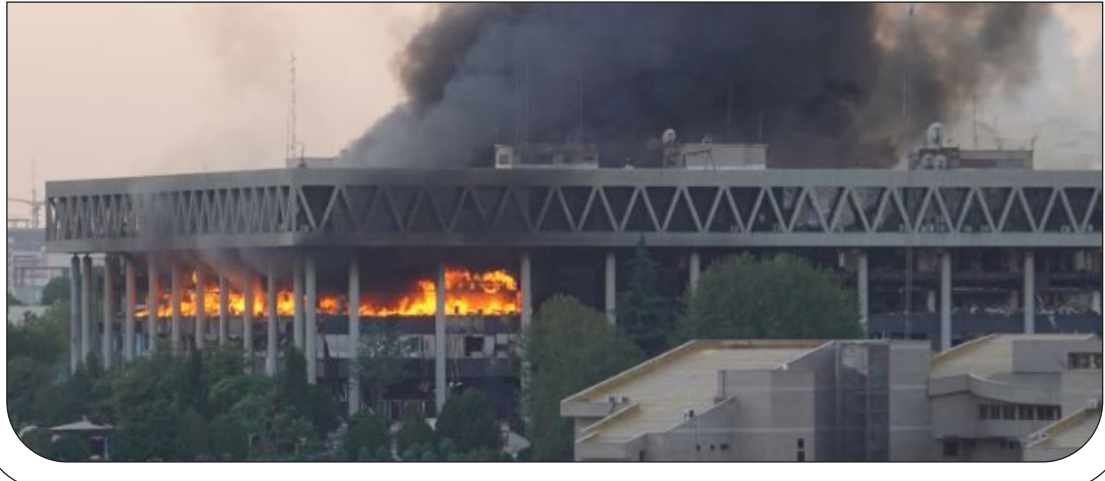
این معمار می‌گوید: ساختمان شیشه‌ای اسکلت بتنی دارد که یکی از مظاهر معماری مدرن است، در دوران پهلوی دوم که این ساختمان یکی از پروژه‌های شاخص معماری آن دوره است، دانش‌آموختگان زیادی از رشته معماری از اروپا برگشته بودند و می‌شود گفت حال و هوایی از مدرنیسم ایرانی را داشتند که تلفیقی از سبک‌های غربی و معماری مدرن و موتیف‌هایی از معماری ایرانی و سنتی بود که در پروژه‌های دیگری مانند موزه هنرهای معاصر یا فرهنگسرای نیاوران که همانطور که گفتیم تلفیقی هستند، در واقع این پروژه‌ها ارجاعاتی به معماری کهن ما دارند اما بیان و شیوه‌ای مدرن. در واقع این پروژه‌ها هم در استفاده از مصالحی مانند بتن شیشه و فولاد مدرن بودند و هم در استفاده‌ی پهنه‌ای که از ارجاعات معماری گذشته ما داشتند مدرن

عمل کردند. زواره محمدی تاکید کرد: معماران همیشه اقرار می‌کنند که معماری در دوره پهلوی دوم توانسته بود، آنچنانکه با ادبیات روز معماری سخن بگوید نسبت به گذشته خودش نیز بی اعتنا نباشد و از آن استفاده کند و حتی آن را به کالبد برساند.

زواره محمدی با توضیح ارتباط شهر با برخی از این پروژه‌های معماری مهم گفت: بسیاری از ساختمان‌هایی که به‌عنوان پروژه‌های مدرن در دوره پهلوی دوم از آن‌ها یاد می‌کنیم ساختمان‌هایی با کاربری عمومی هستند، در حال حاضر ما ساختمان‌های عمومی کمتر در شهرها داریم و بیشتر از ساختمان‌های تجاری در قالب ساختمان عمومی یاد می‌شود اما در آن دوره ساختمان‌های عمومی مانند موزه، استادیوم‌های ورزشی، سالن‌های تئاتر و کتابخانه‌ها ساخته شدند و چون ساختمان‌های عمومی بودند ارتباط گسترده و مهمی با شهر برقرار می‌کردند و مصادیق آن هم کاملا روشن است، تمام نمونه‌هایی که مثال زدیم با سطح اشغال کم ارتباط جذابی را با شهر و فضا و زمینه خودشان برقرار کردند مثلا موزه هنرهای معاصر در کنار باغ مجسمه‌ها که آثار بسیار مهمی مانند اثر هنری مور در آن نگهداری می‌شوند، در شهر حضور پیدا می‌کند.

عبدالعزیز فرمانفرمائیان معمار این پروژه در سال ۱۳۹۲ در اسپانیا فوت کرد، او دانش‌آموخته معماری از دانشگاه هنرهای

صداوسیما سه نفر از کارکنان این مجموعه از جمله سردبیر شبکه خبر دو، در جریان این حمله کشته و تعدادی از کارکنان نیز مجروح شدند. دقایقی بعد از این حادثه روند پخش برنامه‌های تلویزیون به روال عادی برگشت، اما تصویر مجری تلویزیون که در هنگام پخش زنده مورد حمله قرار گرفت تا ساعت‌ها در رسانه‌های بزرگ بین‌المللی بازتاب پیدا کرد. این اتفاق در شبکه‌های اجتماعی نیز بازتاب گسترده‌ای داشت و بسیاری از کاربران درباره کارکرد این مجموعه و اتفاقاتی که در طول سال‌ها در این بنا افتاده بود، صحبت کردند. این ساختمان بعد از لوگوی شناخته‌شده صداوسیما، به‌عنوان نماد این مجموعه در اذهان مردم جا دارد، اما تصاویر رسمی نشان می‌دهد میزان خسارات حمله دوشنبه عصر به این بنا قابل توجه است.



خبرزش

هدف قرار گرفتن یکی از مهمترین بناهای معماری معاصر ایران

ساختمان شیشه‌ای در آتش

ساختمان شیشه‌ای که عصر دوشنبه، ۲۶ خردادماه، هدف حملات اسرائیل قرار گرفت، علاوه بر اهمیت که در حوزه رسانه دارد، از منظر معماری نیز یکی از مهمترین بناهای معاصر تهران به‌شمار می‌رود. این بنا که به‌عنوان مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما و ساختمان شیشه‌ای شناخته شده، از دهه ۷۰ مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. طراحی بنا را «عبدالعزیز فرمانفرمائیان» به‌عهده داشت که از چهره‌های شناخته‌شده معماری معاصر ایران و از اساتید دانشگاه تهران بود. او طراح بناهای شاخص دیگری از جمله ورزشگاه آزادی و فرودگاه مهرآباد هم بوده است. فرمانفرمائیان این بنا را به‌عنوان ساختمان اداری رادیو-تلویزیون ملی ایران طراحی کرده بود که هم‌زمان با وقوع انقلاب، ساخت آن تا پس از جنگ ایران و عراق طول کشید و اوایل دهه

۷۰ با اتمام ساخت بخش‌هایی از آن مورد بهره‌برداری قرار گرفت. علاوه بر بخش‌های اداری و استودیوهای ضبط برنامه در این ساختمان، سالن‌های متعدد همایش در این مجموعه قرار دارد که هر کدام شاخصه‌های خاص خود را دارند و هنوز خبری مبنی بر آسیب‌های ناشی از حمله به این مجموعه و میزان تخریب‌ها منتشر نشده است. از جمله مهمترین تالارهای این مجموعه که آثار هنری ارزشمندی در آن قرار دارد، تالار خورشید است که آثار ارزشمندی از اساتید بزرگ معاصر از جمله «حسین زنده‌رودی»، «سهراب سپهری» و غیره دیوارهای این سالن را زینت داده‌اند.

حمله اخیر به ساختمان شیشه‌ای، منجر به توقف پخش زنده شبکه خبر شد و بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های بین‌المللی داشت. براساس اعلام

نوبت اول

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

«شماره ۱ / ۰۰۸ - ۱۴۰۴»

شرکت سهامی برق منطقه‌ای هرمزگان

برق منطقه‌ای هرمزگان

شرکت سهامی برق منطقه‌ای هرمزگان در نظر دارد از طریق برگزاری مناقصه عمومی ۱ مرحله‌ای، نسبت به انجام خدمات نظیف و نگهداری فضای سبز ایستگاه‌های انتقال و فوق توزیع اقدام نماید. لذا از متقاضیان شرکت در این مناقصه دعوت به عمل می‌آید، جهت دریافت اسناد مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه و نسبت به واریز مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال، بصورت الکترونیکی به شماره حساب ۴۰۱۱۰۳۱۰۴۰۲۵۱۸۷ بنام تمرکز جوجه درآمد حق انشعاب و سایر درآمدهای شرکت سهامی برق منطقه‌ای هرمزگان از تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۳۱ لغایت ۱۴۰۴/۰۴/۱۴ اقدام و یک نسخه از اسناد مناقصه را دریافت نمایند. باتوجه اینکه کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار می‌گردد. لازم است در صورت عدم عضویت قبلی شرکت‌ها در سامانه فوق مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور انجام و نسبت به دریافت گواهی امضا، الکترونیکی اقدام نمایند. شرکت‌کنندگان می‌توانند جهت کسب اطلاع از سؤالات قراردادی با شماره ۳۳۳۳۱۳۸۶۱ و ۳۳۳۳۱۳۷۶۶ و ۳۳۳۳۱۳۷۵۸۰ با داخلی ۰۷۶-۲۰۷۱ در خصوص سامانه با داخلی ۳۰۰ تماس حاصل فرمایند. ثبت شماره تلفن، فکس و ایمیل از سوی شرکت‌کنندگان در سامانه الزامی می‌باشد.

توضیحات:

۱- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۲۶/۴۷۵/۶۴۳/۹۳۵ ریال به صورت تضمین معتبر بانکی و یا واریز نقدی

۲- الزامات: ۱- ارائه و بازگذاری مستندات انجام کار مشابه (خدمات نظیف و فضای سبز ایستگاه‌های انتقال و فوق توزیع) با میانگین مجموع سه قرارداد معادل ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال همراه رضایت‌مندی مربوطه از کارفرما طی ۵ سال گذشته ۲- شرکت در جلسه توجیهی ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۱ در محل دفتر امور تدارکات و قراردادهای ۳- بازدید میدانی از ایستگاه‌های (۱- ناحیه شرق پست ۶۳ کیلومتر گابریک ۲- ناحیه غرب پست ۲۳۰ کیلومتر فتویه ۳- ناحیه جزیره پست ۶۳

۵- حداکثر مهلت بازگذاری و تحویل اسناد: بازگذاری محتویات (پاکت الف/ب/ج) و ارائه پاکت الف (ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار) به دبیرخانه این شرکت تا ساعت ۸ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۷ و زمان بازگشایی پاکت در ساعت ۱۰ صبح همان روز در دفتر امور تدارکات و قراردادهای این شرکت می‌باشد.

۶- به پیشنهادات مشروط، مهیم، مخدوش و فاقد سپرده و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر به دبیرخانه این شرکت ارسال گردد مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۷- آگهی ما در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش "ثبت نام/بروفایل تامین کننده/ مناقصه گر" قابل مشاهده می‌باشد.

روابط عمومی شرکت سهامی برق منطقه‌ای هرمزگان

نوبت اول

فراخوان مناقصه همراه با ارزیابی کیفی

شرکت پالایش نفت آبادان

شرکت پالایش نفت آبادان در نظر دارد مناقصه مشروطه ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت برگزار نماید، کلیه مراحل برگزاری تشریفات مناقصه از دریافت اسناد ارزیابی کیفی و سایر مراحل بعدی مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس [WWW.SETADIRAN.IR](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد.

ردیف	شماره مناقصه در سامانه ستاد	شماره تقاضا	موضوع	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به پال	برنامه زمان بندی مراحل مناقصه
۱	۰۰۹۰۰۳۳۱۴۷۲۰۶	۰۰۹۰۰۳۳۱۴۷۲۰۶	BRAUN OVERSPEED PROTECTION SYSTEM	۲/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	الف- مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد ۱۴۰۴/۰۴/۱۰ لغایت ۱۴۰۴/۰۴/۱۲ ب- آخرین مهلت ارائه و بازگذاری اسناد ارزیابی کیفی توسط مناقصه گران: مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱

روابط عمومی- شرکت پالایش نفت آبادان

شماره آگهی: ۳۹۵-۱۴۰۴

شماره آگهی: ۷۹-۱۴۰۴

سازمان ثبت‌اسناد و املاک
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان بوشهر

نظر به اینکه تعیین حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به شماره پلاک ۶ فرعی از ۲۳۳۳ اصلی بمساحت ۳۳۵۵۶/۴۱ مترمربع واقع در بخش سه بوشهر - بزرگان اراضی روستای چم کوشک مورد درخواست آقای رضا عربزاده که از طرف آقای نادر برزگر به ایشان واگذار گردیده است نامبرده در اجرای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت نموده است و حسب تقاضای نامبرده که در اجرای ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی درخواست انتشار آگهی تعیین تکلیف حدود نموده است در روز ۱۴۰۴/۴/۲۸ در محل شروع بعمل خواهد آمد.

اینک بوسیله این آگهی از متقاضی و کلیه صاحبان املاک مجاور طبق ماده ۱۴ قانون ثبت دعوت می‌شود که در وقت مقرر در محل حضور بهمیرسانند واخواهی مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتجلسه تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت متعرض مکلف است طبق تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده‌های معترضین ثبتی مصوب ۱۳۳۲/۲/۲۵ و ماده ۸۶ آیین‌نامه اجرایی طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت دادخواست به مرجع قضایی محل تسلیم دارد.

حمیدرضا باقرپور- رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان دشتستان

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۳/۲۸

م الف: ۳۹۷

سازمان ثبت‌اسناد و املاک
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان بوشهر

نظر به اینکه تعیین حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به شماره پلاک ۵۴ فرعی از ۲۸۳۸ اصلی بمساحت ۱۰۳۱۶۳ مترمربع واقع در بخش سه بوشهر - بزرگان اراضی روستای بنه فارسی مورد درخواست آقای جهانگیر بنافی که از طرف آقای عباس بنافی مع الواسطه به ایشان واگذار گردیده است. نامبرده در اجرای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت نموده است و حسب تقاضای نامبرده که در اجرای ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی درخواست انتشار آگهی تعیین تکلیف حدود نموده است در روز ۱۴۰۴/۴/۱۸ در محل شروع بعمل خواهد آمد اینک بوسیله این آگهی از متقاضی و کلیه صاحبان املاک مجاور طبق ماده ۱۴ قانون ثبت دعوت می‌شود که در وقت مقرر در محل حضور بهمیرسانند واخواهی مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتجلسه تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت متعرض مکلف است طبق تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده‌های معترضین ثبتی مصوب ۱۳۳۲/۲/۲۵ و ماده ۸۶ آیین‌نامه اجرایی طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت دادخواست به مرجع قضایی محل تسلیم دارد.

حمیدرضا باقرپور

رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان دشتستان

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۳/۲۸ - م الف: ۴۰۹



اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان

اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ریگان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر آرا صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ریگان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان بشرح ذیل محرز گردیده است

۱- آقای حسین روان فرزند علی در شش‌دانگ باغ به مساحت ۵۰۷۱/۳۰ متر مربع پلاک ۵ فرعی از ۴۵۱۹ اصلی واقع در شهرستان گنبدکی روستای حسین‌آباد آبشور بخش ۳۲ کرمان از مالکیت رسمی خود متقاضی (حسین روان)

۲- آقای رضا تکاپوی مرادی فرزند مراد در شش‌دانگ باغ مشتمل بر خانه به مساحت ۲۶۵۱/۹۳ متر مربع پلاک ۴ فرعی از ۴۵۱۹ اصلی واقع در شهرستان گنبدکی روستای حسین‌آباد آبشور بخش ۳۲ کرمان از مالکیت رسمی خود متقاضی (حسین روان)

۳- آقای حسن چمن (رسولی فر) ۳- آقای کریم مظفرآبادی فرزند احمد در شش‌دانگ باغ به مساحت ۱۵۰۰/۵۹ متر مربع پلاک ۱۶ فرعی از ۴۳۸۵ اصلی واقع در شهرستان گنبدکی روستای شلتوک آباد بخش ۳۲ کرمان خریداری از مالکیت رسمی آقای حسین اسماعیل زاده و خانم فاطمه شمس الدینی ۴- خانم عصمت رستم زاده مهدایی فرزند ماشالله در شش‌دانگ خانه و باغچه به مساحت ۴۳۱/۱۱ متر مربع پلاک ۱۷ فرعی از ۴۳۸۵ اصلی واقع در شهرستان گنبدکی روستای شلتوک آباد بخش ۳۲ کرمان خریداری از مالکیت رسمی آقای حسین شمس الدینی ۵- آقای حسین زابلی زاده غضنفرآبادی فرزند موسی در شش‌دانگ باغ به مساحت ۹۸۷/۱۶ متر مربع پلاک ۱۳ فرعی از یک فرعی از ۴۳۶۹ اصلی واقع در شهرستان گنبدکی روستای فردوس (نراباد) بخش ۳۲ کرمان خریداری از مالکیت رسمی



آگهی مفقودی

برگ سبز سواری پژو جی ال ایکس ۴۰۵ عنابی -روغنی رنگ رنگ مدل ۱۳۷۸ به شماره موتور ۲۲۵۲۷۸۱۵۳۱۴ و شماره شاسی IN78315325 به شماره پلاک ۱۵۱ ایران ۸۴ متعلق به پیمان عربی چلوئی مفقود و از درجه اعتبار ساقط گردیده است .

منوجان

آگهی مفقودی

سند موتور سیکلت انژکتوری سیستم نامی تیب ۱۲۵ قرمز رنگ مدل ۱۴۰۰ به شماره موتور 0124NBE105464 و شماره شاسی NBEAKRKAAM2E10517 به شماره پلاک ۸۱۷ - ۲۲۲۴۸ متعلق به علی سالاری مفقود و از درجه اعتبار ساقط گردیده است .

منوجان

آگهی مفقودی

کلیه مدارک وانت پیکان 1600i سفید شیری - روغنی رنگ مدل ۱۳۹۲ به شماره موتور 118P0019435 و شماره شاسی NAAA36AAODG604651 به شماره پلاک ۸۳ ص ۹۲۵ ایران ۶۵ متعلق به یوسف طاهری سروتمین مفقود و از درجه اعتبار ساقط گردیده است .

رودبارجنوب



اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان

اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ریگان

آقای عباس ایزدپناه بهزادی ۶- آقای مجید رشیدی مقدم فرزند محمد در شش دانگ باغ به مساحت ۲۷۴۷۰/۶۲ متر مربع پلاک ۲۹ فرعی از ۱۵ فرعی از ۴۹۳۳ اصلی واقع در شهرستان ریگان روستای علی‌آباد پشت ریگ بخش ۳۲ کرمان خریداری از مالکیت رسمی خانم رخساره رزازیور بی

۷- لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

رئیس ثبت اسناد و املاک ریگان

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۳/۱۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۳/۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۴۴۱۷

آگهی مناقصه عمومی
شهرداری منطقه ۵ تبریز

شهرداری منطقه ۵ تبریز در نظر دارد باستاند مجوزهای اخذ شده، پروژه عمرانی مشروحه زیر را در سال ۱۴۰۴ از طریق مناقصه عمومی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) به شرکتی واجد شرایط واگذار نماید:

ردیف	نام پروژه	مبلغ برآورد (به ریال)	سپرده شرکت در مناقصه (به ریال)	پایه مورد نایید
۱	پروژه آسفالت اساسی در معابر ناحیه ۱ شهرداری منطقه ۵	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	پایه ۵ رشته راه و ترابری
۲	پروژه آسفالت اساسی در معابر ناحیه ۲ شهرداری منطقه ۵	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	پایه ۵ رشته راه و ترابری
۳	پروژه آسفالت اساسی در معابر ناحیه ۳ شهرداری منطقه ۵	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	پایه ۵ رشته راه و ترابری
۴	تکمیل باند کندرو جاده تهران	۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	پایه ۵ رشته راه و ترابری

۱) لذا از شرکتی واجد شرایط و دارای صلاحیت، ظرفیت کاری و پایه لازم دعوت بعمل می‌آید از روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۴/۳/۲۸ تا ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخه ۱۴۰۴/۴/۰۷ جهت دریافت اسناد مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه نمایند . آخرین مهلت باگذاری مدارک بصورت الکترونیکی در سامانه ستاد از روز شنبه ۱۴۰۴/۴/۰۷ لغایت تا ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز شنبه ۱۴۰۴/۴/۲۱ می‌باشد و تنها سپرده شرکت مناقصه بصورت فیزیکی تا ساعت ۰۷:۰۰ صبح روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۴/۲۱ به امور قراردادهای

منطقه مستقر در ساختمان شهرداری منطقه ۵ به آدرس دروازه تهران روبروی پمپ بنزین، ساختمان شهرداری منطقه ۵ مراجعه نمایند .
۲) تاریخ بازگشایی پیشنهادات ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه ۱۴۰۴/۴/۲۱ در بستر سامانه ستاد در محل اتاق جلسه شهرداری تبریز واقع در خیابان آزادی - نبش لاله زار جنوبی - ساختمان شهرداری تبریز می‌باشد.
۳) شهرداری درد و قبول پیشنهادات مختار است.
۴) به پیشنهادها مهتم، مشروط و تحویل اسناد بعد از انقضای مهلت مقرر در این آگهی و فاقد

علی قاسمی - شهردار منطقه ۵

تاریخ چاپ آگهی: ۱۴۰۴/۳/۲۸

سازمان ثبت‌اسناد و املاک
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان بوشهر

۱- نظر به اینکه تعیین حدود شش‌دانگ یک قطعه نخستنان با کاربری کشاورزی به شماره پلاک ۹۲۶ فرعی از ۲۸۳۱ اصلی بمساحت ۳۳۹۶۰ مترمربع واقع در بخش سه بوشهر - بزرگان اراضی روستای زیرراه نامبرده در اجرای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت نموده است و حسب تقاضای نامبرده که در اجرای ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی درخواست انتشار آگهی تعیین حدود نموده است در روز ۱۴۰۴/۴/۱۸ در محل شروع بعمل خواهد آمد اینک بوسیله این آگهی از متقاضی و کلیه صاحبان املاک مجاور طبق ماده ۱۴ قانون ثبت دعوت می‌شود که در وقت مقرر در محل حضور بهمیرسانند واخواهی مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتجلسه تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت متعرض مکلف است طبق تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده‌های معترضین ثبتی مصوب ۱۳۳۲/۲/۲۵ و ماده ۸۶ آیین‌نامه اجرایی طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت دادخواست به مرجع قضایی محل تسلیم دارد.

حمیدرضا باقرپور- رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان دشتستان

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۳/۲۸

م الف: ۴۱۰

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک خراسان شمالی

آگهی آراء حیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در حیات مستقر در اداره ثبت‌اسناد و املاک منطقه یک بجنورد مورد رسیدگی و تایید قرار گرفته جهت اطلاع عموم در نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی‌های ثبتی (کتب‌الانتشار و محلی) به شرح ذیل آگهی می‌گردد:

بخش دو بجنورد پلاک ۷۵ - اصلی اراضی قره خان بندی ۱- شش‌دانگ یک قطعه باغ از پلاک ۴۹ فرعی از ۷۵ اصلی فوق به مساحت ۱۰۵۰/۲۷ مترمربع انبشاهی خانم بتول شاکر نوبایی از محل مالکیت رسمی شماعی آقای علی شاکر نوبایی برابر رای شماره ۱۳۴ - مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۲ - کاسه ۶۲۳ - ۱۴۰۳

لذا بدینوسیله به فروشندهگان و مالکین مشاعی و اشخاص ذی‌نفع در آرای اعلام شده ابلاغ می‌گردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترضین باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهد نمود ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

مهدی سیاوشی - رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک منطقه یک بجنورد

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۳/۱۲ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۳/۲۸

شناسه آگهی: ۱۹۴۴۳۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک زرنده

حیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر آرا صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرستان زرنده تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان ذیل محرز گردیده است لذا مشخصات ایشان و املاک مورد تقاضا بشرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱- عباس گزستانی کوهپایه فرزند محمد دو دانگ مشاع از شش‌دانگ خانه به مساحت ۵۱۴/۳۸ متر مربع از پلاک ۴۳۲ اصلی در زرنده اراضی خانوک بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمد اسدی ۲- مصطفی طاهری زاده زرنده فرزند مهدی شش‌دانگ خانه به مساحت ۲۳۴/۰۵ متر مربع از پلاک ۱۷۷۸ اصلی در زرنده اراضی ابراهیم آباد بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی حسین بخش ارباب مومنی ۳- حسن محمدی فرزند محمدرضا شش‌دانگ خانه به مساحت ۲۱۸/۰۵ متر مربع از پلاک ۲۵۶ فرعی از ۲۳۶۸ اصلی در زرنده اراضی حسین آباد حومه بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمد سلطان زاده زرنده ۴- حسن محمدی فرزند محمدرضا شش‌دانگ خانه به مساحت ۲۷۴/۸۰ متر مربع از پلاک ۲۵۶ فرعی از ۲۳۶۸ اصلی در زرنده اراضی حسین آباد حومه بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمد سلطان زاده زرنده ۵- لیلی حسینی زرنده فرزند عباس شش‌دانگ خانه به مساحت ۱۳۰ متر مربع از پلاک ۲۸۲ فرعی از ۲۳۶۸ اصلی در زرنده اراضی حسین آباد حومه بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی اکبر علی مومنی زرنده ۶- فخریه خالقی تاج آبادی فرزند غلامرضا شش‌دانگ خانه به مساحت ۲۴۳/۶۵ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در زرنده اراضی کهنوج بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی اشرف موسوی استرآبادی ۷- زهرا بهشتی زرنده فرزند محمد شش‌دانگ خانه به مساحت ۱۳۰ متر مربع از پلاک ۲۳۸۹ اصلی در زرنده اراضی کهنوج بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمود ذکاکی ۸- علی استوی فرزند حسین شش‌دانگ خانه به مساحت ۲۱۲/۵۰ متر مربع از پلاک ۲۴۱۷ اصلی در زرنده اراضی شاهرز بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی اکبر

سازمان ثبت‌اسناد و املاک
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان بوشهر

نظر به اینکه تعیین حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به شماره پلاک ۱ فرعی از ۴۸۲۶ اصلی بمساحت ۳۹۹۹۹/۹۹ مترمربع واقع در بخش سه بوشهر - بزرگان اراضی روستای چاه خانی مورد درخواست آقای حسن حمیدیان که از طرف ورثه مرحوم مختار جمیری به ایشان واگذار گردیده است. نامبرده در اجرای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت نموده است و حسب تقاضای نامبرده که در اجرای ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی درخواست انتشار آگهی تعیین حدود نموده است در روز ۱۴۰۴/۴/۲۱ در محل شروع بعمل خواهد آمد اینک بوسیله این آگهی از متقاضی و کلیه صاحبان املاک مجاور طبق ماده ۱۴ قانون ثبت دعوت می‌شود که در وقت مقرر در محل حضور بهمیرسانند واخواهی مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتجلسه تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت متعرض مکلف است طبق تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده‌های معترضین ثبتی مصوب ۱۳۳۲/۲/۲۵ و ماده ۸۶ آیین‌نامه اجرایی طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت دادخواست به مرجع قضایی محل تسلیم دارد.

حمیدرضا باقرپور

رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان دشتستان

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۳/۲۸

م الف: ۳۹۸

سازمان ثبت‌اسناد و املاک
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان سمنان

نظر به اینکه تعیین حدود شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به شماره پلاک ۱ فرعی از ۴۸۲۶ اصلی بمساحت ۳۹۹۹۹/۹۹ مترمربع واقع در بخش سه بوشهر - بزرگان اراضی روستای چاه خانی مورد درخواست آقای حسن حمیدیان که از طرف ورثه مرحوم مختار جمیری به ایشان واگذار گردیده است. نامبرده در اجرای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت نموده است و حسب تقاضای نامبرده که در اجرای ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی درخواست انتشار آگهی تعیین حدود نموده است در روز ۱۴۰۴/۴/۲۱ در محل شروع بعمل خواهد آمد اینک بوسیله این آگهی از متقاضی و کلیه صاحبان املاک مجاور طبق ماده ۱۴ قانون ثبت دعوت می‌شود که در وقت مقرر در محل حضور بهمیرسانند واخواهی مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتجلسه تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت متعرض مکلف است طبق تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده‌های معترضین ثبتی مصوب ۱۳۳۲/۲/۲۵ و ماده ۸۶ آیین‌نامه اجرایی طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت دادخواست به مرجع قضایی محل تسلیم دارد.

حمیدرضا باقرپور

رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان دشتستان

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۳/۱۲

شناسه آگهی: ۱۹۴۴۳۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک زرنده

محمودزاده ۹- دانیال محسنی فرزند حبیب الله شش‌دانگ خانه به مساحت ۲۵۴/۴۸ متر مربع از پلاک ۱ فرعی از ۲۴۲۰ اصلی در زرنده اراضی شاهرز بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی محمداقبر پورسیف الدینی ۱۰- علی عرب نصرت آبادی فرزند اکبر شش‌دانگ مغازه به مساحت ۵۷ متر مربع از پلاک ۵۴۹۵ اصلی در زرنده بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی ربابه حبیبی پوزرنده ۱۱- ابراهیم اسلامی علی آبادی فرزند علی شش‌دانگ خانه به مساحت ۴۳۳/۸۷ متر مربع از پلاک ۶۴۱۲ اصلی در زرنده اراضی شاهرخ آباد بخش ۱۳ کرمان خریداری از مالک رسمی شفیعی محمود در یک دانگ و حمیدرضا یزدان پناه فدائی فرزند پناه فدائی فرزند محمود در یک دانگ و فرخنده جمیله یزدان پناه فدائی فرزند محمود در نیم دانگ و مهدی یزدان پناه فدائی فرزند محمود در یک دانگ و مریم فخریه یزدان پناه فدائی فرزند محمود در نیم دانگ و فرح عصمت یزدان پناه فدائی فرزند محمود در نیم دانگ و علی یزدان پناه فدائی فرزند محمود در یک دانگ و فاطمه یزدان پناه فدائی فرزند محمود در نیم دانگ از شش‌دانگ خانه به مساحت ۱۹۹۷/۴۲



عکس نوشت

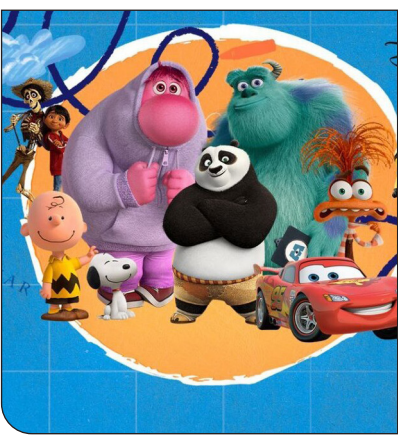
عکاس: یاسین صفری - ایستا



شب‌ها، مردم گیلان در شهرداری رشت گرد هم می‌آیند و به یاد کودکان مظلوم که جان خود را در حملات اسرائیل از دست دادند، شمع روشن می‌کنند و در سوگ هم‌وطن می‌نشینند.

محتوای کودک فیلم‌نت رایگان شد

روابط عمومی پلتفرم فیلم‌نت اعلام کرد محتوای کودک این پلتفرم رایگان شده است. در پیام این روابط عمومی آمده است: «این روزها که مردم عزیز ایران در معرض شدیدترین اضطراب‌ها به‌واسطه یک جنگ تحمیلی هستند، کودکان سرزمین‌مان، آنها که نمی‌دانند جنگ چیست و دنیای رنگارنگ و معصومانه‌شان نباید به این فضای خشونت‌بار آلوده شود، بیش از همه نیاز به مراقبت و محافظت دارند. به همین منظور، ما در فیلم‌نت تصمیم گرفتیم تمامی محتوای کودک خود را تا اطلاع ثانوی به‌طور رایگان در اختیار همه مردم صلح‌طلب ایران قرار دهیم.»



انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران: ققنوس دوباره سراز خاکستر بلند خواهند کرد

انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران در پی وقایع اخیر بیابانه‌ای را صادر کرد. در بیانیه این انجمن آمده است: «ایرانیان در طول تاریخ همواره توانسته‌اند از بزرگترین جنایت‌ها و تجاوزها به خاکشان سر بلند بیابند و ما بر این باوریم که این‌بار نیز همچون ققنوس دوباره سر از خاکستر بلند خواهند کرد.» در بخش دیگری از این بیانیه گفته شده است شکیبایی و صلح‌جویی نماد تاریخی فرهنگ ایران بوده است: «ما طراحان گرافیک این سرزمین، همچون دیگر کنشگران فرهنگ و هنر، بر آنیم که رسالت خود را در پاسداشت صلح از یاد نبریم.»



گزارش

خودیاری برای زنان؛ چگونه در طول جنگ از خود مراقبت کنیم؟

نوری برای درون



«کسینیا میشینا» حتی به یاد نمی‌آورد آخرین باری که با آرامش غذا خورده یا خوابیده، کی بوده است. او مسئول چهار روستا در منطقه‌ای در اوکراین بود؛ روستاهایی که به‌شدت از جنگ آسیب دیدند. وظایف او شامل هماهنگی برای تخلیه امن ساکنان، تهیه اقلام ضروری مانند کبوسول آتش‌نشانی و ژنراتور و نظارت بر حفظ شبکه‌های برق و گاز بود. «هانا میدنگو» هم یکی دیگر از افرادی بود که مسیر شغلی‌اش با جنگ روسیه و اوکراین تغییر کرد. او می‌خواست یک بازاریاب آنلاین شود، اما جنگ باعث شد به‌عنوان امدادگر داوطلب نظامی به جبهه بیوندد. زنان دیگری هم هستند که قصه مشابهی دارند؛ ترس، بازاریابی امید و بازسازی جوامع جنگ‌زده که البته مراقبت از خودشان در طول دوران جنگ نیز نقش اساسی داشته است.

در شرایط بحرانی جنگ، زنان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین گروه‌های در معرض خطر، با چالش‌های متعددی در زمینه امنیت، سلامت و دسترسی به منابع اولیه مواجه می‌شوند. لزوم توجه به نیازهای خاص زنان و تقویت ظرفیت‌های آنان برای مراقبت از خود، از جمله اولویت‌هایی است که می‌تواند نقش مهمی در کاهش آسیب‌ها و ارتقای تاب‌آوری در جوامع جنگ‌زده ایفا کند.

طرف‌های درگیر در جنگ موظف به حفاظت از سلامت، امنیت اقتصادی و فیزیکی غیرنظامیان هستند. اما وقتی که غیرنظامیان مورد هدف قرار می‌گیرند، اغلب زنان هستند که باید با پیامدها مقابله کنند و حتی در خانواده‌هایی که مردان، ناپدید شده‌اند، این زنانند که باید این مسئولیت را برعهده بگیرند. همچنین پس از پایان جنگ، زنان اغلب نقش کلیدی در بازسازی جوامع ایفا می‌کنند. در مناطق روستایی، آنها معمولاً اصلی‌ترین عنصر برای تقویت امنیت اقتصادی پس از جنگ هستند.

در همین دلیل، در دوران جنگ زنان با چالش‌های متعددی مواجه‌اند که محافظت از خود را به یک ضرورت حیاتی تبدیل می‌کند. شرایط جنگی، تهدیدهای روانی، محدودیت‌های دسترسی به منابع ضروری و ناپایداری امنیت، سلامت و زندگی زنان را به‌شدت در معرض خطر قرار می‌دهد. اما آگاهی و اقدام هوشمندانه می‌تواند به زنان کمک کند تا در چنین شرایط سختی، از خود محافظت کنند و توانایی مقابله با بحران‌ها را افزایش دهند.

امنیت، یکی از اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین نیازهای انسان است. اگر آن را از دست بدهیم، ممکن است دچار احساساتی چون اضطراب، ترس از آینده، احساس ناتوانی، احساس تنهایی و... شویم. اما این رسانه توصیه می‌کند درک و شناسایی این نشانه‌ها می‌تواند نخستین قدم برای بازسازی حس امنیت درونی باشد.

چه کارهایی می‌توان انجام داد؟

در این شرایط انجام دادن چند کار می‌تواند به بهبود وضعیت روانی کمک کند:

- ۱- دنبال کردن اخبار به‌شکل صحیح: ما در فضایی زندگی می‌کنیم که پر از اطلاعات است. اخبار با سرعت زیادی از منابع مختلف پخش می‌شود و به گوش همه ما می‌رسد. در تلاش برای کنترل اوضاع، گاهی مسیرمان را گم می‌کنیم و حجم زیادی از اطلاعات را بی‌وقفه جذب می‌کنیم. نتیجه این مصرف بی‌قاعده، احساس ترس، نگرانی و خستگی است. برای جلوگیری از این وضعیت، بهتر است زمانی مشخص برای دنبال کردن اخبار تعیین کنیم. مثلاً می‌توانیم فقط ۱۵ دقیقه صبح و ۱۵ دقیقه شب را به مرور منابع خبری معتبر اختصاص دهیم.
- ۲- روتین یا برنامه روزانه: همان‌طور که انتظار داریم تلفن همراهمان همیشه در دست و سریع کار کند، اما اگر بموقع شارژ نشود از کار می‌افتد، بدن و ذهن ما هم همین‌طور هستند؛ در زمان جنگ، منابع انرژی‌مان سریع‌تر تخلیه می‌شوند. بنابراین، باید به خودمان فرصت بازاریابی بدهیم. برای بازگرداندن حس کنترل بر زندگی، می‌توانیم از قدم‌های ساده شروع کنیم. مثلاً برنامه منظمی برای خواب و تغذیه داشته باشیم. برای استراحت و کار زمان مشخصی تعیین کنیم. دستاوردهای روزانه‌مان را ببینیم، حتی اگر کوچک باشند.
- ۳- تکنیک‌های کمک به خود: گاهی احساسات به‌شدت زیاد می‌شوند و کنترل خود سخت می‌شود. در این شرایط، به‌کار بردن چند تکنیک ساده می‌تواند کمک کند. در موقعیت‌های استرس‌زا یا هیجان‌برانگیز، معمولاً نفس‌مان را حبس می‌کنیم و احساس کمبود اکسیژن می‌کنیم. برای آرام‌سازی، نفس کشیدن را تنظیم کنیم. با بینی نفس بکشیم و به‌آرامی از دهان خارج کنیم، طوری‌که انگار داریم به شععی فوت می‌کنیم، اما نمی‌خواهیم شعله‌اش خاموش شود. همچنین، تکنیک‌های تمرکزسازی ذهن می‌توانند راهگشا باشند. این تکنیک‌ها کمک می‌کنند و چگونگی آن را از بحران جدا کرده و آرام شویم. یکی از روش‌ها «بازی الفبایست» می‌تواند یک موضوع (مثلاً خوراکی‌ها) را انتخاب کنید و سپس براساس انتخاب یک حرف نام یک خوراکی را بگویید.
- ۴- جای امن ذهنی: یک مکان در ذهن خود تصور کنید یا به یاد بیاورید که برایتان لذت‌بخش و آرامش‌بخش است. سعی کنید آن مکان را با جزئیات کامل تصور کنید: چه صداهایی می‌شنوید؟ چه بوهایی در هواست؟ چه رنگ‌هایی می‌بینید؟ چه احساسی داری؟ این تمرین باعث کاهش اضطراب و احساس امنیت بیشتر می‌شود.

چنین روش‌هایی مؤثر هستند و می‌توانند به شما کمک کنند تا حالات را تغییر دهید و وضعیت روانی‌تان را پایدار نگه دارید. همچنین، برای بازگرداندن حس امنیت درونی، پرسیدن چند سؤال از خودتان می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. مثلاً از خودتان بپرسید «الان چه حسی دارم و کدام احساسات به من کمک می‌کنند با شرایط کنار بیایم و کدام‌ها مانع می‌شوند؟ چه چیزی می‌تواند به من حس امنیت بدهد؟» پاسخ به این سؤالات باعث می‌شود بهتر خودتان را بشناسید. در نتیجه می‌توانید مکان‌ها، وسایل، فعالیت‌ها و آدم‌هایی را تشخیص دهید که به شما آرامش می‌دهند و احساساتتان را متعادل می‌کنند.

یادداشت

کودکی در سایه آژیر و آتش



علی ملازاده | روزنامه‌نگار

جنگ با عراق را در کودکی گذراندم. در کرمان بودیم و به‌ظاهر دور از منطقه درگیری؛ اما جنگ، آتش‌نشانی است که گدازه‌ها و خاکسترس می‌نشیند روی خواب و خیال‌های همه. خیمه می‌زند بر زندگی‌ات؛ حتی اگر آتش و گلوله‌اش کیلومترها دورتر باشد. با قلک‌هایی به شکل تانک و نارنجک بزرگ شدیم. با شعار «مرگ بر صدام» در صبحگاه مدرسه و با شعار «مرگ بر صدام» بین نماز مغرب و عشا در مسجد. با کشته و به سوگ نشستن خودمان و دوستانمان توی بازی‌ها و با زخم و خون دیدن توی خواب‌ها. با شعرخوانی عممان که «عمو علی رفته به جنگ صدام، تا زنده باشه اسلام» و با نگرانی بی‌پایان از سقوف و پنجره می‌آید و خنجر می‌زند بر برگ و پوست وجودت. از هر روزنی که وارد شود استخوان‌های خانه را از درون تهی می‌کند. با زلزله و سیل فرق دارد. همه را در برمی‌گیرد و زندگی همه را شخم می‌زند و گاهی از بین می‌برد. تاریخ هر کسی را، به قبل و بعد خودش تقسیم می‌کند. دست می‌اندازد در گوشه‌گوشه زندگی آدم‌ها و رزق‌ها و خیال‌هایشان، را تبدیل به کاپوس و ترس می‌کند.

جنگ، خیلی نامرد است. پیرزن و پسر بچه را می‌کشد، زن و زن؛ نظامی و غیرنظامی حال‌اش نیست. منطقه جنگی و غیرجنگی نمی‌فهمد. سر می‌کشد به هر خانه‌ای، حتی به‌تنهایی هر آدمی. همه‌جا، زمین بازی‌اش است. انسانیت را بلد نیست. می‌کشد و می‌تاراند. می‌بیلد و می‌سوزاند. چهره همه چیز و همه‌کس را تغییر می‌دهد. حتی پایان ظاهری‌اش، پایان نیست؛ بازی‌اش تمامی ندارد و همراهت می‌آید تا همیشه. افسردگی را اهل و اهلی روانت می‌کند. روح را می‌خورد و می‌خورد و جانت را از طراوت تهی می‌کند. روز قبل از جنگ برایت می‌شود تاریخی دوردست. انگار که هیچگاه نبوده و یا اینکه تو آن را زندگی نکرده‌ای. انگار دنیایی دیگر بوده؛ بهشتی که قدرش را ندانسته‌ای. بهشتی که زیاد نقص و درد داشت؛ اما جنگ نداشت.

